

پژوهش‌های معمار اسلامی ۱۱

شماره شایا: X-980 - 2382

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال چهارم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۵

ارزیابی و نقد رویکردهای تحقیق در معماری و شهرسازی از منظر اسلامی
محمدمنان رئیسی

گونه‌شناسی مفهومی در پرستشگاه‌های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در دوره‌ی صفوی‌ی اصفهان (بر اساس ویژگی‌های قدسی تنزیه، تشبیه، جمال و جلال)
مهدی حمزه‌نژاد / ساناز رهروی پوده

محرم‌سازی مدارس دخترانه با تأکید بر معماری بومی بندر بوشهر
پرستو عشرتی / محمدکاظم نمازی / درنا عشرتی / سمیه فدائی‌نژاد

باز تعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی - اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی
مازیار آصفی / الناز ایمانی

خانه‌های تاریخی با نقشی فراتر از مسکن در بافت تاریخی اصفهان
بهنام پدram / آزاده حریری

گنبد دوبوخته از منظر عملکرد حرارتی در اقلیم کویری کاشان
وحدانه فولادی / منصوره طاهباز / حمید ماجدی

دگرگونی جایگاه مسجد جامع در پیکره‌بندی فضایی شهر اسلامی مورد مطالعه: مسجد جامع شهر سبزوار
هادی سلطانی‌فرد / زهره سادات سید مرادی

حیات آثار تاریخی معماری ایرانی (مقایسه‌ی تطبیقی کهولت اثر تاریخی با سالخوردگی در دیدگاه اسلام)
سجاد مؤذن / هادی ندیمی / رضا ابویی

مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: مهندس عبدالحمید نقره کار

مدیر داخلی: دکتر محمد منان رئیسی

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی

کارشناس مجله: زهرا کاشانی دوست

ویراستار انگلیسی: امید خزائیان

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پور جعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طیبیان: استاد دانشگاه تهران

دکتر محسن فیضی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر حمید ماجدی: دانشیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معاریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده سراج: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد نقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران: دانشیار وزارت علوم تحقیقات، فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: امیرحسین یوسفی

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

لیست داوران این شماره:

دکتر بهمن ادیب زاده: دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدرضا بمانیان: استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر حسن ذوالفقارزاده: دانشیار دانشگاه امام خمینی قزوین

دکتر محمد منان رئیسی: استادیار دانشگاه قم

دکتر علی محمد رنجبر کرمانی: استادیار دانشگاه قم

دکتر رضا سامه: استادیار دانشگاه امام خمینی قزوین

دکتر حسن سجاد زاده: استادیار دانشگاه بوعلی همدان

دکتر هانیه صناعیان: استادیار دانشگاه علم و صنعت

دکتر منصوره طاهباز: دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

دکتر پرستو عشرتی: استادیار دانشگاه تهران

دکتر علی عمرانی پور: استادیار دانشگاه کاشان

دکتر محمدباقر کبیر صابر: استادیار دانشگاه تهران

دکتر راضیه لیب زاده: مدرس دانشگاه علم و صنعت

دکتر مسعود ناری قمی: استادیار دانشگاه کاشان

دکتر شهریار ناسخیان: استادیار دانشگاه هنر اصفهان

دکتر سلمان نقره کار: استادیار دانشگاه کاشان

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات

وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶ / ۱۸ / ۳ مورخ

۹۳ / ۷ / ۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود.

مقالات مندرج در این مجله، الزاماً بیانگر نقطه نظرات «پژوهش‌های معماری اسلامی» و «قطب علمی معماری اسلامی» نمی باشد و نویسندگان محترم، مسئول مقالات خود هستند.

نشانی دفتر مجله: دانشگاه علم و صنعت ایران / قطب علمی معماری اسلامی / کد پستی ۱۶۸۴۶۱۳۱۱۴ / **تلفن مستقیم:** ۰۲۱ - ۷۷۴۹۱۲۴۳

نشانی رایانامه: jria@iust.ac.ir / **نشانی وب:** <http://iust.ac.ir/jria>

حیات آثار تاریخی معماری ایرانی (مقایسه‌ی تطبیقی کهولت اثر تاریخی با سالخوردگی در دیدگاه اسلام)*



سجاد مؤذن*

دانشجوی دکتری مرمت بنا، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول)

هادی ندیمی**

استاد و عضو هیئت علمی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

رضا ابویی***

استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۰۳/۲۶

چکیده:

دیدگاه تفسیری به حیات و زندگی آثار تاریخی معماری ایران بر اساس قدمت معنادار آنها به عنوان تقدیر تاریخی یک ملت - از شناخت کالبدی رایج فراتر رفته و علاوه بر جنبه‌های فنی و تکنیکی اثر، جنبه‌های معنوی و روحانی آن را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. شناخت وجوه فراکالبدی و نامحسوس اثر تاریخی معماری نیازمند حضور در فضای اثر و مقایسه‌ی تطبیقی با دیگر علوم - مانند علوم انسانی - است. کهنگی اثر تاریخی علاوه بر جسم، بر روح اثر نیز مؤثر است و اثر را واجد کیفیاتی خاص می‌کند و در جهت تعامل بهتر انسان با اثر، منشی خاص می‌طلبد. مسئله‌ی این مقاله مقایسه‌ی کهولت اثر با سالخوردگی انسان و اهمیت آن در دین اسلام است. هدف این مقاله، برانگیختن زاویه‌ی نگاهی متفاوت به آثار تاریخی معماری ایرانی و ایجاد تعاملی سازنده بر اساس فهمی مشترک از نیازهای طرفین - انسان و اثر تاریخی - است. سؤال اصلی مقاله این است که از مقایسه‌ی تطبیقی کهنگی اثر تاریخی معماری با سالخوردگی، چه نتایجی در زمینه‌ی حفاظت از این آثار گرفته می‌شود؟ در جهت شناخت پدیده‌ی سالخوردگی اثر تاریخی با روش توصیفی «سالخوردگی» را از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار داده و با روش مقایسه‌ی تطبیقی و نگاه استعاری بر اساس تشابهات دو پدیده، شناخت حاصل را به عالم کالبدی معماری وارد خواهیم کرد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها (که عموماً روایات اسلام است) روش تفسیری است. از نظر اسلام پیری بیماری نیست؛ بلکه موهبتی الهی است. همچنین زاویه‌ی نگاه اسلام به موضوع پیری کل نگر و قابل تعمیم به پیرانی خارج از پیران جامعه انسانی (مثل بناهای تاریخی) است. نتایج حاصل از مقایسه‌ی روایات در شأن پیری با آثار تاریخی معماری را می‌توان چنین برشمرد: ۱. حضور در اثر تاریخی متذکر است. ۲. وضع موجود اثر تاریخی وضع احسن است؛ چراکه در طول زمان بخش‌های بی کیفیت یا دارای خطا در طرح و ساخت، محکوم به جایگزینی توسط اثری بهتر بوده‌اند. ۳. حفظ آثار پیری از آنجا که مصالح انفاک گذشتگان را در خود ضبط کرده‌اند؛ ارجح بر نوسازی است و وقار حاصل از کهنگی مصالح همان حس احترامی را در شخص حاضر برمی‌انگیزد؛ که موی سپید شخص سالخورده.

واژه‌های کلیدی: مقایسه‌ی تطبیقی، فراکالبد، سالخوردگی، روایات اسلام، اثر تاریخی معماری.

* sajad_moazen_166@yahoo.com

** h_nadimi@sbu.ac.ir

*** r.abouei@au.ac.ir

* این مقاله برگرفته از رساله‌ی دوره‌ی دکتری نویسنده‌ی مسئول مقاله با عنوان «ادب حضور در محضر اثر تاریخی بمنابۀ پیر» در دانشگاه هنر اصفهان است. ** توضیح دفتر مجله: این مقاله با رویکردی ذوقی و قیاسی به تطبیق برخی روایات دینی بر ابنیه تاریخی پرداخته است که ممکن است این نوع تطبیق، مورد نقد برخی علمای حوزوی باشد اما به دلیل برخی نقاط قوت و با عنایت به تأیید آن توسط داوران محترم، منتشر شده است. بدیهی است که مسئولیت این مقاله همچون سایر مقالات منتشر شده در این مجله، بر عهده نویسندگان محترم می‌باشد و نظرات مندرج در آن، الزاماً بیانگر نقطه نظرات قطب علمی معماری اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

بیان مسئله

آثار تاریخی معماری ایرانی به شکلی معنادار زنده‌اند. از آنجا که در جهت مداخله‌ی سازنده در آثار تاریخی معماری ایرانی و تعامل انسان با این آثار در جهت باززنده‌سازی و احیای آنها، شناخت گام اول است. شناخت کیفیات حیات اثر تاریخی معماری به موازات شناخت کالبدی اثر دارای اهمیت است. شناخت کالبد اثر نزدیک‌تر به درک توسط حواس انسان است؛ اما شناخت روح مکان اثر نیاز به مذاقه‌ی بسیار در حال اثر، مقایسه‌ی تطبیقی با دیگر علوم - به خصوص علوم انسانی - و رجوع به برداشت‌های باطنی شخصی دارد. هرچند شاید بارزترین وجه باطنی آثار تاریخی معماری ایرانی سالخورده‌گی آنها نباشد؛ اما عام‌ترین وجه است. مسئله‌ی اصلی این مقاله، توجه به این سالخورده‌گی و مقایسه‌ی آن با سالخورده‌گی انسان و اهمیت آن در دین اسلام است.

دلیل انتخاب موضوع (ضرورت و اهمیت)

سالخورده‌گی فقط محدود به انسان نمی‌شود و هرآنچه که زنده است و عمری بر آن گذشته را می‌توان سالخورده نامید. سالخوردگان جامعه‌ی انسانی متذکر مرگ، راوی تجربیات گوناگون و الفاکنده‌ی آرامش - حاصل از گذر سالیان دراز عمر - هستند. سیسرون - خطیب رومی - می‌گوید: «دعای اینکه پیر از عهده کاری بر نمی‌آید؛ سخن بیهوده‌ای است و به این می‌ماند که گوئیم سکاندار در دریا کاری نمی‌کند» (گوشه‌گیر ۱۳۸۰، ۱۵۰). اثر تاریخی معماری سالخورده نیز همین نقش‌ها را تا حدی می‌تواند ایفا کند و این در صورتی است که حفظ احترام به آنها بر اساس نگاه موزه‌ای یا تقدس‌گرایانه، مانع ایفای نقش فعال این آثار در جامعه نشود.

پیشینه‌ی تحقیق

در جهت شناخت پیری و عوارض آن مبحث پیرشناسی به دلایل پیری و چگونگی کاهش عوارض آن می‌پردازد. از آنجا که «بسیاری از پیرشناسان، سالخورده‌گی را یک بیماری محسوب می‌دارند» (اصلان ۱۳۶۱، ۸)؛ تفاوتی اساسی در مبانی اعتقادی جامعه اسلامی با این تفکر وجود

دارد. در اسلام پیری بیماری نیست؛ بلکه موهبتی الهی است. «موی سپید [نشانه‌ی پیری] نور است؛ آن را نکنید» (مجلسی ۱۳۶۵، ۶۹). مبحث این مقاله شناخت آثار تاریخی معماری ایرانی در بستر اعتقادی اسلام است و زاویه‌ی نگاه اسلام به موضوع پیری کل‌نگر و قابل تعمیم به پیرانی دیگر نیز است. بنابراین در جهت شناخت سالخورده‌گی و نحوه‌ی تعامل با آن به روایاتی در این موضوع اشاره خواهد شد. اصلی‌ترین هدف این مقاله، برانگیختن زاویه‌ی نگاهی متفاوت به آثار تاریخی معماری ایرانی و ایجاد تعاملی سازنده بر اساس فهمی مشترک از نیازهای طرفین - نیاز انسان به اثر تاریخی سالخورده و نیاز اثر تاریخی سالخورده به انسان - است.

سوالات تحقیق

۰ چگونه می‌توان گذر عمر بر اثر تاریخی معماری را سالخورده‌گی نامید؟

۰ از مقایسه‌ی تطبیقی کهنگی اثر تاریخی معماری با سالخورده‌گی، چه نتایجی در زمینه‌ی حفاظت از این آثار گرفته می‌شود؟

روش تحقیق

با توجه به کیفی بودن ماهیت موضوع و اهمیت وجوه نامحسوس معماری روش کلی تحقیق، روش کیفی خواهد بود. بر همین اساس با روش توصیفی «سالخورده‌گی و پیری» را مورد بررسی قرار خواهیم داد و سپس با روش مقایسه‌ی تطبیقی شناخت حاصل شده را به عالم کالبدی معماری وارد خواهیم کرد. لازم به ذکر است که دیدگاه استعاری به پدیده‌ی مورد نظر اثر تاریخی معماری - عامل اصلی شکل‌گیری چهارچوب مقاله و روند پیشرفت آن است. در جهت اثبات نگاه استعاری حاکم بر مقاله - که اثر تاریخی معماری را موجودی زنده می‌داند و روایات اسلام در باب سالخورده‌گی در مورد آنها مصداق پیدا می‌کند - با ارائه‌ی ادله‌ای مختصر در باب زنده‌انگاری اثر تاریخی معماری و اهمیت نگاه استعاری در شکل‌گیری چهارچوب فکری این مقاله شروع خواهیم کرد. برای ورود به تفکر اسلامی در زمینه‌ی شناخت آثار تاریخی معماری، ارائه‌ی واژه‌ای نشأت گرفته از متن اسلام عطر مکان - به جای





برقرار می‌گردد. تمرکز بر وجوه مادی اثر هنری، فراتر و بیشتر از وجوه هنرمندانه و زیبایی‌شناسانه، کاهش ارزش آثار هنری به اشیاء را در پی دارد» (استنلی پرایس^۲، ۱۹۹۶، ۴).

۱-۱. روح مکان اثر تاریخی معماری

روح مکان در آثار تاریخی معماری دارای تمایزاتی با آثار معماری جدید است و مهم‌ترین آنها کهولت یا سالخورده‌گی است. یکی از کسانی که در زمینه روح مکان آثار تاریخی عقاید عمیق و جالبی مطرح کرده؛ جان راسکین است. مهم‌ترین اصطلاحی که او در مورد روح مکان آثار تاریخی معماری به کار می‌برد voicefulness است. ترجمه‌ی تحت‌اللفظی این کلمه «پرصدايي» یا «صدادار بودن» است؛ اما در واقع به این معنی است که فضاهای معماری دارای قابلیت انتقال نواهای خاموش از گذشتگان به امروزاند. «راسکین در مشعل خاطره متذکر می‌شود که شکوه‌مندترین وجه معماری، گذر عمر آن و حس عمیق سرشار از حیاتش (طنین نواهای خاموش) است. نه تنها عبوسیت و خشونت نگاه یا مهربانی رازگونه، بلکه حتی تصویب اعتراض و محکومیت، احساساتی هستند که ما در دیوارهایی که مدت‌ها پیش با امواج حضور انسان‌هایی از نسل‌های گذشته آغشته شده‌اند؛ درک می‌کنیم. هر بنا طنین نواهای خاموشی از انسان‌هایی که در تمام دوره‌های پیشین در آن حضور داشته‌اند به دست می‌دهد و نکته‌ی مهم در مورد این گذشته این است که نمی‌توان برای آن جایگزینی یافت» (استنلی پرایس ۱۹۹۶، ۹).

۲-۱. عطر مکان؛ آیا در تفکر اسلامی می‌توان برای جمادات بطور کلی و اثر معماری بطور خاص احکام اخلاقی صادر کرد؟

در قرآن مکان دارای جایگاهی خاص است، خداوند برکت خود را بر مکان و شهر نازل می‌کند و شهری را مبارک قرار می‌دهد^۳ و حتی به آن شهر قسم یاد می‌کند^۴؛ از طرف دیگر عذاب بر شهر نازل می‌شود و شهر است که آینه عبرت دیگران قرار می‌گیرد^۵. زنده بودن مکان بر اساس زندگی جاری در آن، باعث شده که قرآن برکت یا عذابی که به انسان برمی‌گردد را به شهر نسبت دهد. حیات مکان باعث

واژه‌ی مهم روح مکان و شرح مختصر زنده قلمداد کردن اثر معماری بر اساس تفکر اسلامی ارائه خواهد شد.

۱. حیات جمادات

«بر اساس تعریف سنتی علمی قرن بیستمی، حیات -یا به تعبیر بهتر یک نظام زنده- به عنوان نوعی خاص از مکانیزم (سازوکار) تعریف می‌شود. واژه‌ی حیات تنها برای نظامی مشخص و محدود از پدیده‌ها بکار رفته است؛ اما در واقع هر شکل از نظم از مرتبه‌ای از حیات برخوردار است؛ حیات مفهومی مکانیکی و محدود که تنها برای دستگاه‌های تولیدمثل‌کننده‌ی زیست‌محیطی به کار می‌رود؛ نیست. حیات کیفیتی است که در ذات فضا نهفته است و برای هر آجر، هر سنگ، هر فرد، هر نوع ساختار فیزیکی که در فضا ظاهر می‌شود؛ بکار می‌رود. هرچیزی، حیات خود را دارد» (الکساندر ۱۳۹۰، ۳۰). هرچند بر حسب ظاهر جمادات در قیاس با جانداران و انسان، بهره‌ی کمی از حیات برده‌اند؛ اما هم‌جواری‌شان با انسان باعث ارتقای سطح کیفی حیات آنها می‌شود. این قاعده‌ی کلی بر کالبد معماری نیز حاکم است. معمار بخشی از حیات خویش را در مجموعه‌ای از جمادات به ودیعه می‌گذارد و انسان‌های دیگری که از فضای ایجاد شده در قالب معماری استفاده می‌کنند؛ نیز با هر نفس و هر قدمی بخشی از حیات خویش را با کالبد معماری به اشتراک می‌گذارند. «هر بخش از فضا از مرتبه‌ای از حیات برخوردار است که به طور عینی وجود دارد و قابل مشاهده و اندازه‌گیری است» (الکساندر ۱۳۹۰، ۶۲). این حیات اثر به روح مکان تعبیر می‌شود.

روح مکان دلیل حیات و بقای اثر تاریخی معماری است و «حفظ اثر هنری به معنای حفظ کامل اثر به همراه فرامتن (روح مکان) آن است» (کریر ۱۳۸۶، ۲۹). روح مکان موضوع پایه‌ای هر رساله‌ای است که قصد ورود به وجوه کیفی و فراکالبدی معماری را داشته باشد. «ما ناگزیر به گوش سپردن به مکان و کوشش برای درک روح آن هستیم» (پورتوقسی^۱، ۱۹۷۴، ۱۵۴). چراکه تنها راه درک صحیح اثر هنری، پرداختن به وجوه مادی و معنوی توأمان است. «وقتی که ما به اثری هنری می‌نگریم؛ مکالمه و تعاملی بین وجه زیبایی‌شناسانه‌ی اثر هنری و چشمان ما



شده که به انسان در برخورد با آن توصیه‌هایی شود؛ که می‌توان آن را اخلاق حضور در معماری نامید، مثل مواردی که قرآن انسان را به عبرت‌آموزی و اندیشه یا به حرمت نهادن به مکان توصیه می‌کند.

۳-۱. استعاره ارگانیک و تطبیق سالخوردگی معماری

با سالخوردگی انسان

حضرت رسول (ص) مکانی که ذکر اهل بیت در آن گفته شود را دارای خاصیتی می‌دانند که فرشتگان را به خود جذب می‌کند. «عن ام‌المؤمنین ام‌سلمه، انها قالت سمعت رسول الله يقول: ما قوم اجمعوا یذکرون فضل علی بن ابیطالب الا هبطت علیهم الملائکه السماء حتی تحف بهم. فاذا تفرقوا عرجت الملائکه الی السماء. فبقول بهم الملائکه: انا نشم من رايحتکم ما لا نشمه من الملائکه، فلم نر رائحه اطيّب منها. فبقولون: کنا عند قوم یذکرون محمداً و اهل بيته، فلعف فينا من ريحهم فتعطرنا. فبقولون: اهبطوا بنا اليهم. فبقولون: تفرقوا و مضى کل واحد منهم الی منزله. فبقولون: اهبطوا بنا حتی نتعطر بذلک المكان» (جوهرچی ۱۳۵۸، ۶۲۷): از ام‌سلمه روایت شده که شنیدم رسول‌الله (ص) می‌فرمود: هیچ قومی نیستند که جمع شوند و ذکر فضائل علی بن ابی‌طالب (ع) کنند؛ مگر این که فرشتگان از آسمان نزول می‌کنند تا به آنها بیوندند. پس زمانی که مجلس پایان یابد و آن جمع پراکنده شوند؛ فرشتگان به آسمان عروج می‌کنند و دیگر فرشتگان به آنها می‌گویند: ما بوی خوشی از شما استشمام می‌کنیم که بوی فرشتگان نیست و از آنها به مشمام نمی‌رسد؛ و ما تا به حال رائحه‌ای خوش‌تر از آن نیافته‌ایم. پس آنها می‌گویند: ما نزد قومی بودیم که [فضائل] محمد (ص) و اهل بیتش را ذکر می‌کردند؛ از بوی خوش آنها خوردیم و معطر شدیم. می‌گویند: ما را نزد آنها برید. می‌گویند: آن جمع متفرق شدند و هر کدام از آنها به جایی دیگر رفته است. می‌گویند: با ما نازل شوید تا از آن مکان [که ذکر اهل بیت در آن جاری بوده] خود را معطر کنیم.

۲. پیری در آیات و روایات

شده که به انسان در برخورد با آن توصیه‌هایی شود؛ که می‌توان آن را اخلاق حضور در معماری نامید، مثل مواردی که قرآن انسان را به عبرت‌آموزی و اندیشه یا به حرمت نهادن به مکان توصیه می‌کند.

پس از قبول اثر تاریخی معماری به عنوان موجودی زنده، برای درک بهتر مسئله‌ی شباهت انسان و بنا (در موضوع سالخوردگی) باید از استعاره^۶ کمک گرفت. «استعاره توصیفی است که از طریق تشبیه یک پدیده به پدیده‌ای دیگر که با هم وجوه مشترکی دارند؛ به روشن شدن ذهن و شناخت ناشناخته‌ها کمک می‌کند. استعاره پدید آوردن این‌همانی بین دو پدیده‌ای است که نمی‌توان به طور طبیعی آن را معادل تصور کرد» (بینش‌مهر ۱۳۸۸، ۷۲). «استعاره می‌تواند معنای جدیدی بیافریند؛ شباهت خلق کند و از آن طریق، واقعیتی جدید را تعیین کند» (لیکاف و جانسون ۱۳۸۷، ۴۶۳) یکی از مباحث مفید در این زمینه، بحث استعاره ارگانیک شهر است؛ شهر - شبیه انسان - دارای اجزائی با روابط ارگانیک است. مامفورد^۷ شهر را با انسان پیوند داد. شهر از نظر او تجلی ارگانیک زندگی اجتماعی در توازن زیست‌محیطی با شهرهای کوچک و بزرگ دیگر در محدوده منطقه‌ای وسیع‌تر است و به همین دلیل نیز می‌توان شهر او را با بدن انسان مقایسه کرد و به آن شهرانسان^۸ گفت.

سالخوردگی و پیری مختص انسان نیست؛ بلکه گذر عمر بر هر موجودی (اعم از انسان و جماد) باعث کهولت و سالخوردگی جسم او می‌شود. از تأثیرات این سالخوردگی بر روح انسان اطلاعات نسبی وجود دارد؛ اما تأثیرات این سالخوردگی بر روح اثر تاریخی معماری ایرانی و کیفیت آن مورد مذاقه قرار نگرفته است. برای شناخت اثر سالخوردگی کالبد اثر تاریخی معماری بر روح مکان اثر می‌توان از مقایسه تطبیقی با موضوعی مشابه که بیشتر مورد توجه بوده - سالخوردگی انسان - کمک گرفت. ذکر این نکته لازم است که سالخوردگی اثر تاریخی معماری فقط در حد کهنگی و از کارافتادگی کالبدی مورد توجه قرار گرفته و

شده که به انسان در برخورد با آن توصیه‌هایی شود؛ که می‌توان آن را اخلاق حضور در معماری نامید، مثل مواردی که قرآن انسان را به عبرت‌آموزی و اندیشه یا به حرمت نهادن به مکان توصیه می‌کند.

حضرت رسول (ص) مکانی که ذکر اهل بیت در آن گفته شود را دارای خاصیتی می‌دانند که فرشتگان را به خود جذب می‌کند. «عن ام‌المؤمنین ام‌سلمه، انها قالت سمعت رسول الله يقول: ما قوم اجمعوا یذکرون فضل علی بن ابیطالب الا هبطت علیهم الملائکه السماء حتی تحف بهم. فاذا تفرقوا عرجت الملائکه الی السماء. فبقول بهم الملائکه: انا نشم من رايحتکم ما لا نشمه من الملائکه، فلم نر رائحه اطيّب منها. فبقولون: کنا عند قوم یذکرون محمداً و اهل بيته، فلعف فينا من ريحهم فتعطرنا. فبقولون: اهبطوا بنا اليهم. فبقولون: تفرقوا و مضى کل واحد منهم الی منزله. فبقولون: اهبطوا بنا حتی نتعطر بذلک المكان» (جوهرچی ۱۳۵۸، ۶۲۷): از ام‌سلمه روایت شده که شنیدم رسول‌الله (ص) می‌فرمود: هیچ قومی نیستند که جمع شوند و ذکر فضائل علی بن ابی‌طالب (ع) کنند؛ مگر این که فرشتگان از آسمان نزول می‌کنند تا به آنها بیوندند. پس زمانی که مجلس پایان یابد و آن جمع پراکنده شوند؛ فرشتگان به آسمان عروج می‌کنند و دیگر فرشتگان به آنها می‌گویند: ما بوی خوشی از شما استشمام می‌کنیم که بوی فرشتگان نیست و از آنها به مشمام نمی‌رسد؛ و ما تا به حال رائحه‌ای خوش‌تر از آن نیافته‌ایم. پس آنها می‌گویند: ما نزد قومی بودیم که [فضائل] محمد (ص) و اهل بیتش را ذکر می‌کردند؛ از بوی خوش آنها خوردیم و معطر شدیم. می‌گویند: ما را نزد آنها برید. می‌گویند: آن جمع متفرق شدند و هر کدام از آنها به جایی دیگر رفته است. می‌گویند: با ما نازل شوید تا از آن مکان [که ذکر اهل بیت در آن جاری بوده] خود را معطر کنیم.

نکته‌ی مهمی که باید در این بخش به آن اشاره کرد؛ اصطلاح عطر مکان است. در تفسیر حیات اثر تاریخی معماری استفاده از اصطلاح روح مکان - که ترجمه‌ی اصطلاحی لاتین است و فاقد همهی وجوه لطیف حیات آثار تاریخی معماری ایرانی در بطن خود است - به دلیل



پدیده‌ای بهره برد که عوارض و کاستی‌هایش به خوبی شناخته شده باشند؛ به بیان دیگر زمانی انسان می‌تواند نیازهای خود را به یک پدیده - مثل اثر تاریخی معماری - عرضه کند و پاسخ درخور دریافت کند که به نیازهای آن پدیده پاسخ مناسب داده باشد.

۱-۱-۲. مواهب

که به تجربه‌مندی، فکورورزی، صاحب فن بودن و هیبت حاصل از پیری اشاره دارد. این موارد در اثر تاریخی معماری نیز صادق است؛ اثر حاصل تجربیات گذشتگان است و هر اثر تاریخی معماری بر پایه قرن‌ها تجربه فنی و تفکر معمارانه پیش از خود بنا شده است.

○ «شیخ به قولی از ۴۰ سالگی و به قولی از ۵۰ تا آخر عمر است و به قولی تا ۸۰ است» (قرشی ۱۳۷۱، ۱۱۱).
 یا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا (يوسف: ۷۸).
 ○ «ذَكَى الرَّجُلُ»: در مورد انسان وقتی گفته می‌شود که انسان پیر می‌شود و بخاطر تجربه‌ها و سختی‌هایش در زندگی آزموده شده و از هوش دقیقی بهره‌مند است. البته هر پیری مُذَكِّي نامیده نمی‌شود مگر زمانی که دارای تجارب و تمرینات فکری باشد» (راغب اصفهانی ۱۳۷۴، ۱۶). چون اینگونه تجربه‌ها و کارآزمودگی‌ها کمتر در کسی غیر از پیران یافت می‌شود؛ واژه ذكاء درباره آنان بکار می‌رود؛ و نیز درباره‌ی هر چیز دیرپای و گرامی و نجیب.
 ○ الِيفَن (جمع يُفِن): پیرمرد سالمند، آنکه به فنون مختلف آگاه باشد (قرشی ۱۳۷۱، ۱۰۰۳).

○ شَيْب: سفید شدن موی.
 ○ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا (مریم: ۴).
 ○ وَجُلُّ: پیر شد (قرشی ۱۳۷۱، ۹۷۷).
 ○ الْجِلُّ: مترادف الْجَلِيل است؛ «رَجُلٌ جِلُّ»: مرد پیر و سالمند (قرشی ۱۳۷۱، ۲۹۹).

۲-۱-۲. عوارض

تعدد کلمات این بخش از توجه اسلام به حالات مختلف ضعف جسمانی حکایت دارد. کالبد بسیاری از آثار تاریخی معماری نیز با توجه به گذر زمان، فرسودگی مصالح و ناپایداری‌های سازه‌ای، برای کاربری‌های سنگین مناسب نیست.

توجه به آثار آن بر روح مکان اثر تاریخی معماری مغفول بوده و تنها راه شناخت آن و درک کیفیاتش، رجوع به نمونه‌ای مشابه است.

نو بودن مبحث سالخورده‌گی اثر تاریخی معماری و طرح مبحثی مشابه (آداب برخورد با انسان سالخورده) در اسلام و همچنین واحد بودن منشأ علوم مختلف؛ ایده‌ی مقایسه‌ی تطبیقی و الگوبرداری از آداب مطرح شده در وادی انسانی برای وادی معماری را تقویت می‌کند. برای شناخت خصوصیات سالخورده‌گی یا پیری و همچنین نحوه‌ی تعامل سالخورده با دیگران و بالعکس مراجعه به منابع مکتوب اسلامی راه‌گشا است. موضوع مورد نظر روایاتی که در ادامه آورده خواهد شد؛ انسان پیر است؛ اما دربردارنده‌ی مفاهیمی است که قابل تعمیم به اثر تاریخی به عنوان موجود سالخورده نیز هست. از میان روایات متعدد در باب پیری، روایات منتخب زیر که هر کدام در قالب سرفصل‌هایی مجزا ارائه می‌شوند؛ در جهت تدوین قواعد چگونگی برخورد و مداخله در اثر تاریخی معماری راه‌گشا هستند. مهم‌ترین وجه این تحقیق تبیین اخلاق مواجهه با اثر تاریخی معماری به عنوان موجودی زنده و سالخورده، با رجوع به اسلام است. وجهی که در منشورها و بیانیه‌هایی که به روح مکان و ارزش‌های معنوی آثار تاریخی معماری پرداخته‌اند؛ کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ چراکه احیای آثار تاریخی معماری بومی و وابسته به شرایط محیطی، نیاز به اصول و اخلاق بومی - و متناسب با اعتقادی که اثر بر مبنای آن شکل گرفته است - دارد.

۱-۲. واژه‌شناسی عربی پیری و سالخورده‌گی

تعدد کلمات مورد استفاده برای یک مفهوم در یک زبان، نشان از اهمیت آن مفهوم در فرهنگ آن زبان دارد. زبان عربی - که زبان فرهنگ اسلامی است - برای حالات مختلف سالخورده‌گی کلمات خاص خود را دارد و این نشان از اهمیت سالخورده‌گی و دقت نظر این فرهنگ و مبلغان آن به این مسئله است. در کل می‌توان این کلمات را به دو بخش مواهب و مزایای پیری و عوارض و کاستی‌های آن دسته‌بندی کرد. نکته‌ی بسیار مهمی که این تقسیم‌بندی به آن اشاره دارد این است که زمانی می‌توان از مواهب





[در حدّ اعلای نفاق باشد]. ۱. کسی که مویش را در اسلام سفید کرده باشد. ۲. حافظ قرآن. ۳. پیشوای عادل. ۵. «حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: هر که پیری را از بهر پیریش حرمت دارد به قیامت از فزع‌الاکبر [وحشت بزرگ] ایمن گردد» (قضاعی ۱۳۹۱، ۱۸۸). ۶. حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: دانشمند را به خاطر علمش و بزرگسال را به خاطر سن او، باید احترام کرد. ۷. «حق سالخورده این است که حرمت پیریش را بداری؛ او را مقدم داری؛ در اختلافات (خصمانه) با او روبرو نشوی؛ در راه بر وی سبقت نگیری؛ پیشاپیش او نروی؛ نادانش نشماری؛ اگر رفتار جاهلانهای کرد تحمل کنی؛ به مقتضای سوابق مسلمانی و سالمندی احترامش کنی که حق سن و سال نیز چون حق اسلام است» (جنتی ۱۳۸۳، ۴۵۲). ۵ اصل حفظ حرمت اثر تاریخی معماری (در موقع مرمت اثر و بعد از آن، در موقع حضور در آن) در اینجا یک تفاوت بنیادی تفکر اسلامی و تفکر غیراسلامی در برخورد با اثر تاریخی معماری آشکار می‌شود؛ در تفکر اسلامی سالخورده‌گی اثر تاریخی معماری - در وهله‌ی اول و بسیار مهم‌تر از دیگر دلایل - برای او ایجاد حرمت می‌کند و در تفکر غیراسلامی سندیت تاریخی‌اش.

۳-۲-۲. پیری تذکر است.

۱. *أَوْلَمْ نَعْمَرُكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ* (فاطر ۳۳) آیا عمر ندادیم شما را؟ آنقدر که پند و اندرز گیرد؛ کسی که باید پند بگیرد. ۲. «حضرت رسول(ص) می‌فرمایند: لكلّ شيء حصاد و حصاد اّمتی ما بین السّین الی السّبعین؛ هر چیزی را درونی است و درون اّمت من میان شصت و هفتاد بود. حضرت رسول(ص) فرمودند: پیری نور بنده است هر که خواهد که بهشتی را ببیند گو جوانی را ببین که به پیران ماندگی کند؛ یعنی چنان که پیر طمع از خون و فساد و خمر و زمر ببریده باشد آن جوان نیز ببریده باشد و هر که خواهد که دوزخی را ببیند گو پیری را ببین که بجوانان ماندگی کند» (قضاعی ۱۳۹۱، ۱۸۸). ۵ حضور انسان در اثر تاریخی معماری، تذکر است.

۵ الهَمَّةُ: پیرمرد یا پیرزن فرتوت و مردنی، ج هَمَم: آغاز آهنگ و عزم کار، تصمیم قاطع (قرشی ۱۳۷۱، ۹۶۳). ۵ النُّكْسُ: سالمندانی که بسیار پیر و فرتوت شده باشند (قرشی ۱۳۷۱، ۹۳۴). ۵ الفانی [فنی]: پیر فرتوت و سالمند؛ «صَارَ شَيْخًا فَانِيًا»: پیر فرتوت و ناتوان شد (قرشی ۱۳۷۱، ۶۵۳). ۵ الدُّهْرِيُّ: آنکه بسیار سالمند و پیر شده باشد (قرشی ۱۳۷۱، ۳۹۹). ۵ الهُدَّاجُ: بر وزن فَعَّال صیغه مبالغه است، آنکه بسان پیرمردان راه رود (قرشی ۱۳۷۱، ۹۵۱).

۲-۲. سالخورده‌گی در روایات

در این بخش روایاتی که به حرمت سالخورده، دلیل آن و الزامات اخلاقی حاصل از آن برای انسان دلالت دارند، در قالب تیتراهایی مجزا پرداخته می‌شود و در انتهای هر بخش اثر آن روایات بر دیدگاه انسان در مواجهه با اثر تاریخی معماری ارائه می‌شود. ترتیب ارائه روایات حرکت از کلیات به جزئیات است.

۱-۲-۲. خداوند حرمت سالخورده را نگه می‌دارد.

«ابوبصیر گفت: روزی خدمت حضرت صادق(ع) رسیدم؛ در هنگام پیری که دیگر ضعیف شده و نزدیک مرگم بود ولی از آخرت بیمناک بودم که چگونه می‌توان در گرفتاری‌های آخرت صبر نمود. امام صادق(ع) فرمودند: مگر نمی‌دانی خداوند جوانان شما را گرامی می‌دارد و از پیرمردان حیا و خجالت می‌کشد که (حساب بکشد)» (وشنوی قمی ۱۴۱۸، ۳۲۳).

۲-۲-۲. باب استحباب احترام و بزرگداشت شخص

مسن مؤمن

۱. حضرت رسول(ص) فرمودند: پیران را بزرگ و محترم دارید زیرا احترام به آنها بمنزله احترام به مقام الهی است. ۲. حضرت صادق(ع) فرمودند: تجلیل از پیرمرد تجلیل از خدای عزّ و جلّ است. ۳. حضرت صادق(ع) فرمودند: کسی که به بزرگ ما احترام و به کوچک ما رحم نکند از ما نیست. ۴. حضرت صادق(ع) فرمودند: سه کس حقّشان ناشناخته نمی‌ماند مگر از جانب منافقی که به نفاق شناخته شده باشد





۴-۲-۲. در سالخوردگی عقل ثبات می‌یابد و پیر منشأ برکت می‌گردد.

۱. «حضرت رسول(ص) فرمودند: برکت همراه بزرگ‌تره‌های شماس‌ت» (کمره‌ای ۱۳۶۴، ۹۱).

۲. «مرد چون پیر شد عقلش ثبات و نظرش استحکام می‌یابد و نادانی‌اش کم می‌شود» (بروجردی ۱۳۸۶، ۵۵۷).

۵-۲-۲. تغییر در احوال پیر با گذر عمر

«فرمود پیغمبر(ص) حضرت علی(ع) را در وصیت خود که یا علی؛ بنده مسلمان چون بیاید بر وی ۴۰ سال، ببرد خدا از وی بلا و دیوانگی و خوره و پیسی را و چون بیاید بر وی ۵۰ سال دوست دارند او را اهل هفت آسمان و چون بیاید ۶۰ سال بنویسد خدا حسنات او را و پاک کند از او گناهان او را و چون بیاید بر وی ۷۰ سال آمرزیده شود از وی آنچه گذشته است از گناهان او و چون بیاید او را ۸۰ سال قبول کند خدا شفاعت او را روز قیامت در جمیع اهل بیت او و چون بیاید بر وی ۹۰ سال بنویسد خدا نام او را نزد اهل آسمان اسیر خدا در زمین. یا علی تو با حقی و حق با تو است» (شعیری ۱۳۸۸، ۱۷۵).

مکان‌هایی که در دوره حیاتشان جایگاه امور نیکو بوده‌اند (مانند حرم‌های معصومین)، بخشی از بهشت در زمین خوانده می‌شوند و بر اساس روایات این مکان‌ها از ابتدای خلق زمین برای این منظور مشخص شده‌اند. حضرت رسول(ص) به حضرت امیر(ع) فرمودند: «ای ابوالحسن! خداوند قبر تو و فرزندان را قطعه‌ای از قطعه‌ها و عرصه‌های بهشت قرار داده است و دل‌های برگزیدگان خلقش و بندگانش را مشتاق زیارت شما قرار داده است» (شیخ حرعاملی ۱۳۸۰، ج ۱۴، ۳۸۷، حدیث ۱۹۴۴۰).

۶-۲-۲. نقش پیر در جامعه و وظیفه جامعه نسبت به او

۱. «الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ: پیر در میان کسان خود چون پیمبر در امت خویش است» (پاینده ۱۳۸۲، ۵۴۰).

۲. «پیر سالخورده کوری می‌گذشت و از مردم کمک می‌خواست؛ امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: این کیست؟ گفتند: یا امیرالمؤمنین، مردی نصرانی است. فرمودند: از او آن اندازه کار کشیدید و چون پیر و ناتوان شد او را به حال

خود رها کردید؟ خرج او را از بیت‌المال بدهید» (حکیمی ۱۳۸۰، ۶۵۷).

۵ آنچه به عنوان اثر تاریخی معماری امروز حاضر است اشاره به زندگی انسان‌ها و شکل‌گیری آداب آنها بر اساس عقل دارد و مهم‌ترین دلیل باقی ماندن اثر تاریخی معماری در گذر زمان، سیطره عقل بر آن است؛ چراکه مانند انسانی است که سن ۴۰ را پشت سر گذاشته و پخته شده است. گذر عمر بر موجود زنده اعم از انسان و اثر معماری او را واجد کیفیتی - سالخوردگی - می‌کند که نوع برخورد خداوند با او را تغییر می‌دهد.

۷-۲-۲. توصیه در حفظ آثار پیری

«درباره موی سپید و بریدن و کندن آن و در علت آن: ۱. امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: موی سپید را نکنید که نور مسلمان است و هرکه مو در اسلام سپید کند نور او باشد در قیامت.

۲. حضرت صادق(ع) فرمودند: مردم مو سپید نمی‌کردند و ابراهیم(ع) بود که تا سپیدی در ریش خود دید. گفت: پروردگارا این چیست؟ فرمود: این وقار است. و او گفت: پروردگارا وقار مرا فزون کن» (مجلسی ۱۳۶۵، ۶۹).

«علت سفیدی مو و اولین زمان پیدایش آن:

۳. حضرت صادق(ع) به نقل از امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: در زمان‌های گذشته مردان پیر می‌شدند ولیکن ریش آنها سفید نمی‌گردید و گاهی می‌شد که شخصی داخل مجلسی می‌شد که پدری با پسرانش در آن مجلس بودند و بر وی معلوم نبود که کدامیک از ایشان پدر است! از این جهت می‌پرسید کدامیک از شما پدر است؟ و (این چنین بود تا) زمان حضرت ابراهیم(ع) شد. آن حضرت عرض کرد: خدایا قرار بده برای من (علامت) پیری را تا به آن وسیله شناخته شوم، از این جهت موی سر و ریش آن حضرت سفید گردید» (ابن بابویه ۱۳۶۶، ۲۲۸).

۵ اهمیت حفظ آثار سالخوردگی (و نشانه‌های وقار) اثر تاریخی معماری در مرمت اثر





تذکر این امر بدیهی است.

۲. انسان در سالخوردگی دارای قوه‌ی تشخیصی است که کمتر از او انتظار خطا می‌رود و هرچه سن بالاتر رود؛ بر حرمت شخص سالخورده افزوده می‌گردد. وضع موجود اثر تاریخی نیز وضع احسن است؛ چراکه در طول زمان بخش‌هایی اگر دارای کیفیت نبوده یا خطایی در طرح و ساخت‌شان صورت گرفته، محکوم به نابودی بوده‌اند. بنابراین آثار تاریخی معماری مرجعی بی‌نقص و معلمی خاموش برای رجوع و یادگیری هستند و به همین دلیل نیز شایسته احترام‌اند.

۳. حفظ آثار پیری از آنجا که مصالح انفاس گذشتگان را در خود ضبط کرده‌اند، ارجح بر نوسازی و تعویض مصالح است و وقار حاصل از کهنگی مصالح همان حس احترامی را در شخص حاضر برمی‌انگیزد؛ که موی سپید شخص سالخورده. ظاهر اثر تاریخی سالخورده باید متناسب با شأن اثر باشد و نوسازی در صورتی که اندیشیده نباشد از وقار متناسب با سن اثر می‌کاهد.

۴. پیر و اثر تاریخی سالخورده در جامعه همانند پیامبر که متذکر است؛ نقش تذکردهنده دارند. همین وظیفه خط مشی احیا و نحوه‌ی برخورد با اثر تاریخی را مشخص می‌کند؛ باید شرایط حضور انسان در محضر اثر فراهم شود؛ چراکه کهنگی مصالح برای شخص حاضر در محضر اثر تاریخی معماری، آرامش حاصل از مشاهده پیر را به همراه دارد.

۵. آثار تاریخی هر شهر یا کشور تکیه‌گاه فرهنگی مردم آن شهر یا کشوراند. وجود پیر در جامعه انسانی و آثار تاریخی در شهر عامل وحدت‌بخش انسان‌ها است. در جهت اثبات صدق این ادعا می‌توان به نقش محوری «بزرگ خاندان» در خانواده استناد کرد. امروز جامعه ایرانی از نقش فرهنگی عمیق آثار تاریخی معماری خویش غافل است و برای آنها حداکثر به عنوان یک سند تاریخی ارزش و احترام قائل است.

۸-۲-۲. توجه به کهنلت پیران و مراعات حال آنها

۱. حمایت از والدین، تواضع و خشوع در برابر آنها بخصوص در ایام پیری و ناتوانی ایشان از دستورات قرآن به مؤمنان است. دستور با ترحم برخورد کردن با پیران از سنت‌های اصیل اسلام است.

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا أَمَا يَلْبَعْنُ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفَ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (۲۳) وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا (۲۴) (اسراء)؛ و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچکس را نپرستید و در حق پدر و مادر، نیکی کنید و چنانچه هر دو یا یکی از آنها پیر شوند و موجب زحمت شما باشند، مواظب باشید کلمه‌ای که رنجیده خاطر شوند مگویید و کمترین آزار به آنها مرسانید و با ایشان به اکرام و احترام، سخن گوید و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگسترانید.

۲. اهمیت رعایت حال پیر توسط جوان؛

امام باقر(ع) فرمودند: پدرم به مردی نگریست که همراه پسرش راه می‌رفتند و پسر به بازوی پدرش تکیه داده بود. پدرم تا زنده بود؛ با آن جوان (به خاطر این بی‌حرمتی نسبت به پدرش) صحبت نکرد.

○ توجه به اقتضای سن در احیای اثر تاریخی

هر کاربری را نمی‌توان به اثر تاریخی تحمیل کرد. علاوه بر آن در مرمت و احیای اثر تاریخی معماری باید علاوه بر خواسته‌های کاربران، به نیازهای اثر تاریخی معماری نیز توجه کرد.

نتیجه

بر اساس روایات فوق در وادی شناخت و مواجه با آثار تاریخی معماری ایرانی می‌توان این نتایج را استنباط کرد؛
۱. لزوم حفظ احترام اثر سالخورده در موقع حضور انسان در اثر (برای عموم جامعه) و در عرصه مداخله (برای متخصصان)، چراکه خداوند نیز در محاسبه پیران با حیاء عمل می‌کند. بی‌تفاوتی عموم جامعه در موقع حضور در اثر تاریخی و همچنین متخصصان در موقع مداخله و عدم توجه آنها به حرمت اثر به عنوان موجودی سالخورده، دلیل



پی‌نوشت

۱. portoghesi

۲. Stanley Price

۳. إِنَّ أَوْلَ نَبْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَيْنَكَ مَبْرَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ (آل عمران: ۹۶)

نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شده همان است که در مکه است. خانه‌ای که جهانیان را سبب برکت و هدایت است.

۴. لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ، وَأَنْتَ جَلُّ هَذَا الْبَلَدِ (بلد: ۱ و ۲) سوگند به این شهر و حال آنکه تو در این شهر جای داری.

۵. فَكَايِنَ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فِيهَا خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَبُرُّ مَعْطَلُهُ وَقَصْرٌ مَّشِيدٌ، أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ... (حج: ۴۵ و ۴۶) و چه بسیار شهرها را که ستمکار بودند هلاکشان کردیم و سقف‌هایش فرو ریخته و چاه‌های متروک و کوشک‌های آفرشته را (۴۵) آیا در زمین گردش نکرده‌اند ... (۴۶)

۶. استعاره به معنی «به عاریت گرفتن» می‌باشد و یک صنعت ادبی است که از ویژگی‌های مشترک دو پدیده برای توضیح ابعاد نامأنوس پدیده دیگر استفاده می‌شود. «امروزه، استعاره مقوله‌ای صرفاً مرتبط با زبان نیست، بلکه یک فرایند مرتبط با اندیشه است. استعاره حامل بسته‌های معناشناختی است. مهمترین کارکرد شناختی استعاره، فراهم ساختن درک یک مفهوم انتزاعی از طریق مفهومی ملموس‌تر است. سیستم فکری ما اساساً ماهیتی استعاری دارد. استعاره ابزاری است که با ساده‌سازی موضوع به آدمی در درک مفاهیم و پدیده‌های ناشناخته و پیچیده کمک می‌کند. گزارف نیست اگر بگوییم درک هر پدیده عبارت است از دست یافتن به استعاره‌ای برای آن از طریق جایگزین کردن با چیزی آشنا تر» (بینش، مهر ۱۳۸۸: ۷۰-۷۲). ماهیت استعاره جز دیدن مشابهت‌ها و تصویرگری این مشابهت‌ها در جهت ساده‌سازی پدیده‌های پیچیده نیست. بنابراین وقتی فردی را به شیر تشبیه می‌کنیم و استعاره شیر را برای او به کار می‌بریم، باید توجه کنیم که شیر فقط از لحاظ شجاعت شبیه آن مرد است و از جهات متعدد دیگر با او تفاوت دارد.

۷. Lewis Mumford (۱۸۹۵-۱۹۹۰) منتقد معماری، طراح شهر و تاریخ‌نگار فرهنگی آمریکایی

۸. Anthropopolis

۹. تمایز علوم، بالذات و ناشی از سنخیت ذاتی قضایای یک علم است. به عقیده‌ی یونگ، ما همه جزئی از یک کل هستیم. «روان ما با ساختمان جهان هم‌آهنگ است. آنچه در عالم کبیر اتفاق می‌افتد؛ در کوچک‌ترین و ذهنی‌ترین مرزهای روان نیز رج می‌دهد» (یونگ، ۱۳۷۰، ۲۳۱).

منابع

۱. ابن بابویه، محمدبن علی. ۱۳۶۶. *علل الشرائع*. ترجمه‌ی مسترحمی. تهران: کتاب‌فروشی مصطفوی.
۲. اصلان، آنا. ۱۳۶۱. *راز عمر طولانی*. پیام یونسکو (۱۵۰): ۸-۹.
۳. الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹۰. *سرشت نظم*. ترجمه‌ی رضا سیروس صبری و علی اکبری. تهران: پرهام نقش.
۴. بروجردی، آقا حسین. ۱۳۸۶. *ق. ترجمه‌ی جامع احادیث الشیعه*، ج ۲۵. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۵. بینش، مسعود. مهر ۱۳۸۸. *زبان مجازی و تفکر استعاری*. تدبیر (۲۰۹): ۶۹-۷۳.
۶. بینش، مسعود. بهمن ۱۳۸۸. *استعاره‌های ارگانیک*. تدبیر (۲۱۳): ۶۷-۷۱.
۷. پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۸۲. *نهج‌الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص))*. تهران: انتشارات دنیای دانش.
۸. جوهرچی، حاج محمدصالح. ۱۳۵۸. *ق. ضیاء‌الصالحین*. طبعه‌ی ثانیه عشره. نجف: مطبعه الآداب.
۹. حرانی، ابن‌شعبه. قرن چهار هجری (ترجمه ۱۳۸۲). *تحف العقول عن آل رسول*. ترجمه‌ی احمد جنتی. قم: جامعه مدرسین.
۱۰. حکیمی، محمدرضا و دیگران. ۱۳۸۰. *الحیاه*، جلد ۶. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین. ۱۳۷۴. *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*. جلد ۲. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. شعیری، محمدبن محمد. ۱۳۸۸. *ق. کاشف الأستار (ترجمه‌ی جامع الأخبار)*. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۱۳. شیخ حر عاملی، محمدبن حسن. ۱۳۸۰. *آداب معاشرت از دیدگاه معصومان(ع)*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۴. شیخ صدوق، محمدبن علی. ۱۳۷۹. *معانی الأخبار*. قم: جامعه مدرسین.
۱۵. قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۱. *قاموس قرآن*، جلد ۷. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. قضای، قاضی. ۱۳۹۱. *شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم(ص))*. تهران: سخن.
۱۷. کمره‌ای، محمدباقر. ۱۳۶۴. *آداب معاشرت (ترجمه‌ی جلد شانزدهم بحار الانوار)*، ج ۲. تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۸. گوشه‌گیر، سید علاء‌الدین. ۱۳۸۰. *پیری و خرد*. شناخت (۳۰): ۱۳۹-۱۵۷.

۱۹. لیکاف و جانسون. ۱۳۸۷. نظریه های ارتباطات، جلد ۴. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. ۱۳۶۵. آداب و سنن (ترجمه جلد ۷۳ بحار الأنوار). تهران: انتشارات اسلامی.
۲۱. وشنوی قمی، شیخ قوام الدین محمد. ۱۴۱۸ ه.ق. زندگانی حضرت امام جعفر صادق (ع). قم: چاپخانه می مهر.
۲۲. یونگ، کارل گوستاو. ۱۳۷۰. روان شناسی و دین. ترجمه می محمدحسین خسروی. تهران: سخن.

References

1. Alexander, Christopher. 2011. *The Nature of the Order*. Translated by Reza Cyrus Sabri and Ali Akbari. Tehran: Parham Nagsh
2. Aslan, Anna. 1982. *The Secret of Long Life*. UNESCO Courier (150): 8-9.
3. Binesh, Masoud. 2009. Figurative Language and Metaphorical Thinking. *Tadbir* (209): 69-73.
4. Binesh, Masoud. 2010. Organic Metaphors. *Tadbir* (213): 67-71.
5. Broujerdi, Agha Hossein. 1966. *Translation of Jame Ahadis al-Shia, Vol. 25*. Tehran: Green Culture.
6. Gazaei, Ghazi. 2012. *Persian Description of Shahab Al-Akhbar*. Tehran: Sokhan.
7. Gushagir, Seyed Alaeddin. 2001. Age and Wisdom. *Shenakht* (30): 139-157.
8. Hakimi, Muhammadreza, et al. 2001. *Al-Hayat, Vol 6*. Tehran: Daftar-e Nashr-e Farhang-e Islami.
9. Horrani, Ebn-e shobeh. Translated in 2003. *Tahf al-Oghul an Al Rasool*. Translated by Ahmad Jannati. Qom: Jameat al-Modarsesin.
10. Ebn-e Babooyeh, Muhammad Ebn-e Ali. 1987. *Elal al-Sharae*. Translated by Mostarhami. Tehran, Mostafavi Bookstore.
11. Joharchi, Mohammad Saleh. 1939. *Zya'al-Salehin*. Najaf: al-Adab.
12. Jung, Carl Gustav. 1991. *Psychology and Religion*. Translated by Muhammad Hossein Khosravi. Tehran: Sokhan.
13. Kamareyi, Muhammad Bagher. 1985. *Etiquette, Vol 2*. Tehran: Eslamiah.
14. Lakoff and Johnson. 2008. *Theories of Communication, Vol 4*. Tehran: Center for Social and Cultural Studies.
15. Majlesi, Muhammed Bagher ebn-e Muhammad Taghi. 1986. *Adab va Sunan*. Tehran: Eslamiah.
16. Payande, Abolghasem. 2003. *Nahjolfasaheh*. Tehran: Donyaye Danesh Publications.
17. Portoghesi, P. 1974. *Le Inibizioni Dell, Architettura Moderna*. Roma: Bari.
18. Qorshi, Seyed Ali Akbar. 1992. *Lexicon of the Qur'an, Vol. 7*. Tehran: Dar al-kotob el-Eslamiah.
19. Raghieb Isfahani, Hussein. 1995. *Translation and Study the Words of the Qur'an Terms, Vol. 2*. Tehran: Islamic Culture Publications Office.
20. Sheikh Sadooq, Muhammed ebn-e Ali. 2000. *Maani al-Akhbar*. Qom: Jameat al-Modarsesin.
21. Sheikh Horr Ameli, Muhammed. 2001. *Etiquette in Masoomins' Viewpoint*. Mashhad: Islamic Research Foundation.
22. Shoeiri, Muhammad ebn-e Muhammad. 1968. *Kashef al-Estar*. Tehran: Eslamiah Bookstore.
23. Stanley Price, Nicholas. 1996. *Historical and Philosophical Issues in the Conservation of Cultural Heritage*. Los Angeles: the Getty Conservation Institute.
24. Vashnavy Qomi, Muhammed. 1997. *Life of Imam Jafar Sadeq*. Qom: Mehr Printing Office.





Journal of Research in Islamic Architecture / No.11 / summer 2016

Vitality of Iranian architectural monuments (Comparative analogy between Senescence of historical monument and Senescence in Islamic viewpoint)

Sajad moazen *

Restoration PHD student in Art University of Isfahan School of Architectural Conservation

Hadi nadimi **

Professor at Beheshti University School of architecture Hakim Sabzevari

Reza abuei ***

Assistant Professor in Art University of Isfahan School of Architectural Conservation

Received: 19/01/2016

Accepted: 15/06/ 2016

Abstract

Getting older in every existence (animate beings and inanimate objects) cusses a quality, which could be called senescence. Physical appearance of senescence results in internal challenge, change and development. In order to improve a correct interaction between human and historical site, it is necessary to study the unknown capacities of Iranian historical architecture. Compared with the physical aspects, understanding the semantic dimensions of a monument is intangible. Understanding the ultra-physical aspects of a monument is subtler compared with the physical aspects and requires attendance in workspace and comparative analogy with other sciences - such as the humanities. Aging is not just limited to humans and everything that is alive past life it can be called old. Reverent look in historic monuments based on considering them as a museum or sanctify, prevent playing there active role –as a mentor- in society. The Elderlies in Human Society reminding the death, they are narrating diverse experiences, comprising relaxation based on a long life against the glancing emotions in contemporary age. If we do not notice these things, old mans should be waiting to dying, and slow down progress of their aging is a annoying matter to the new society. Cicero says: The assertion that old mans could not be accomplished any task and he is useless, it is like the saying, the helmsman at sea will do nothing. Aging and obsolescence of monument is also effective on work's soul in addition to its body and gives specific qualities to the work and demands special clerk for better interaction of human with work. The subject of this paper is to compare the work aging with human aging and its significance in Islam. When we look at a work of art, a dialogue is opened between the work of art as an aesthetic object and our eye. Concentration on the material aspects over the artistic or aesthetic ones tends to reduce works of art to objects. Ruskin In the lamp of memory (written in 1848) remark that the greatest glory of a building is in its age, and the deep sense of voicefulness, of stern watching, of mysterious sympathy, nay, even of approval condemnation, which we feel in walls that have long been washed by the passing waves of humanity. Buildings achieve such



voicefulness from the succeeding generations that use them. One thing we can't do with the past is replicate it. This paper is aimed to stimulate different view angles to Iranian architecture monuments and to create constructive interaction based on mutual understanding of both parties' needs – human and monument. In order to understand the phenomenon of monument aging with descriptive and phenomenology method, we will examine «aging» from Islamic point of view and will import the resulting understanding into the physical universe of architecture using adaptive method. It should be noted that the metaphorical view Effects about Iranian historical architecture is the main cause in shaping the framework paper progress. According to Islam, aging is not a disease, but it is a gift of God (the Holy Prophet (peace be upon him)) said: white hair is light, do not trim it); also Islamic point of view to aging subject is holistic and is generalizable to the elders out of the elders of human society (such as historical buildings). The results of comparing the narratives of aging dignity with architectural monuments; 1. The presence in monument is reminder, because old human and old monument has the role of remaindering like prophet. 2. The necessity of maintaining the respect of aging work in both human presences in work realm and in physical interventions realm. 3. The monument status is the best, because the poor sections or errors in design and construction over time have been sentenced to replacement by better work. 4. Preserving aging works is preferable to renewing because they have recorded ancients' self materials and dignity resulting from aging of materials creates the same sense of respect in present person that white hair of the elderly person creates this respect.

Keywords: Comparative analogy, Ultra-physical, Aging, Islamic narratives

